

قیام و اعتراض؛ تکلیف امام حسین(ع)



تکلیف امام حسین(ع) در برابر حاکمیت غاصبانه و خلاف شرع و عرف و اخلاق یزید، قیام و اعتراض بود؛ بنابراین حرکت اباعبدالله(ع) هیچ ربطی به تهدید به قتل آن حضرت و یا دعوت کوفیان ندارد، ولی برخی به غلط گمان می‌کنند که چون جان امام(ع) در خطر بود، این حرکت را آغاز کردند.

محمدحسین رجبی دوانی:

حرکت اباعبدالله(ع) هیچ ربطی به دعوت کوفیان نداشت/ قیام و اعتراض؛ تکلیف امام حسین(ع)
تکلیف امام حسین(ع) در برابر حاکمیت غاصبانه و خلاف شرع و عرف و اخلاق یزید، قیام و اعتراض بود؛ بنابراین حرکت اباعبدالله(ع) هیچ ربطی به تهدید به قتل آن حضرت و یا دعوت کوفیان ندارد، ولی برخی به غلط گمان می‌کنند که چون جان امام(ع) در خطر بود، این حرکت را آغاز کردند.

محمدحسین رجبی دوانی، معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه امام حسین(ع)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، درباره نهضت امام حسین(ع) و نقش دعوت کوفیان در قیام ایشان اظهار کرد: چه دعوت از امام حسین(ع) به عمل می‌آمد و چه نمی‌آمد و نیز چه یزید امام(ع) را مجبور به بیعت می‌کرد یا نمی‌کرد، امام(ع) وظیفه داشتند در برابر حاکمیت غاصبانه یزید که خلاف شرع و عرف و اخلاق بود، بایستند و اعتراض خود را رسماً اعلام کنند و امام(ع) حتی اگر در این راه یکه و تنها نیز بودند، باید می‌ایستادند.

این استاد تاریخ اسلام افزود: در این شرایط همگان وظیفه داشتند تا برای مقابله با خلاف شرع و نهی از منکر، در برابر حاکمیت فردی فاسق و گناهکار که هیچ سختی با رهبری جامعه اسلامی ندارد و نه از روی میل و اراده مردم، بلکه با تهدید و تطمیع معاویه به عالم اسلام تحمیل شده بود، بایستند.

وی تصریح کرد: وظیفه حضرت سیدالشهداء(ع) ایستادن بود؛ چه یزید به حاکم مدینه دستور می‌داد تا از امام حسین(ع) - حتی با توسل به زور - بیعت بگیرد و یا چنین کاری نمی‌کرد و امام(ع) را در بیعت یا عدم بیعت مختار می‌گذاشت، در هر صورت امام(ع) باید در برابر این وضع می‌ایستادند و نه تنها خود بیعت نمی‌کردند، بلکه مردم را نیز دعوت می‌کردند تا برای محافظت از دین و دنیای خود، در برابر این حاکمیت غاصبانه و غیر شرعی بایستند.

حرکت امام حسین(ع) هیچ ربطی به دعوت کوفیان ندارد

معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه امام حسین(ع) تشریح کرد: بنابراین حرکت حضرت اباعبدالله(ع) هیچ ربطی به تهدید به قتل آن حضرت و یا دعوت کوفیان ندارد؛ با این حال ولی برخی به غلط گمان می‌کنند که چون جان امام(ع) در خطر بوده، این حرکت خود را آغاز کرده و چنین تصویری حتی در زمان خود ایشان نیز وجود داشته است.

رجبی دوانی عنوان کرد: بقیه عالم اسلام ترسیده بودند و علاوه بر مردم عادی، حتی سرشناسان عالم اسلام نیز جا زده بودند و به وظیفه خود عمل نمی‌کردند و امام حسین(ع) در چنین شرایطی می‌ایستند تا در راه رضای خدا به تکلیف خود عمل کنند، حتی اگر در این راه جان عزیز خود را فدا کنند و عزیزانش نیز شهید شده یا به اسارت برده شوند.

وضعیت اسفبار عالم اسلام در زمان یزید

این محقق و پژوهشگر در بخش دیگری از سخنان خود خاطرنشان کرد: وضعیت بسیار اسفباری با روی کار آمدن یزید در عالم اسلام پدید آمده و اساس اسلام با خطر جدی نابودی مواجه شده بود. سخن امام حسین(ع) در برابر مردم مدینه و خطاب به مروان حکم به بهترین نحو بازگو کننده این شرایط ناگوار است. ایشان با بیان «انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید« استرجاع می‌کنند که باید فاتحه اسلام را خواند و برای جامعه اسلامی به خاطر مبتلا شدن به زعامت و رهبری فردی چون یزید عزا گرفت.

قیام امام(ع)؛ از نهی از منکر تا امر به معروف

وی با اشاره به این که تکلیف حضرت اباعبدالله(ع) در آغاز فقط اعتراض و نپذیرفتن وضع موجود ولو به قیمت فدا شدن جان آن حضرت بود، افزود: امام(ع) می‌خواستند نهی از منکر کنند و بالاترین منکر حاکمیت یزیدی بود. اما پس از دعوت کوفیان و ادعای آنان

مبنی بر جان دادن در رکاب امام(ع) برای براندازی حکومت یزید، تکلیف جدیدی برای ایشان ایجاد می‌شود و آن اقامه بالاترین معروف یعنی حاکمیت فرزند پاک و معصوم پیغمبر(ص) بر عالم اسلام است.

رجبی دوانی عنوان کرد: با وجود تکلیف امام حسین(ع) بر اعتراض در مقابل حاکمیت یزیدی در هر شرایط ممکن، یزید به ولید بن عتبه حاکم مدینه دستور داده بود تا از حسین بن علی(ع) بیعت بگیرد و در صورتی سرپیچی از فرمان، گردن او را زده و سرش را برای یزید بفرستد. امام(ع) به هر صورت ممکن نمی‌خواستند بیعت کنند و اگر در مدینه می‌ماندند و در آنجا کشته می‌شدند، شهادت حضرت در مدینه انعکاسی پیدا نمی‌کرد و پیام حقیقت ایشان به جامعه اسلامی نمی‌رسید تا باعث بیداری مسلمانان شود.

امام حسین(ع) و نامه‌های کوفیان

وی ادامه داد: بنابراین امام حسین(ع) از مدینه خارج شدند و به مکه مهاجرت کردند و عدم بیعت خود با یزید را به جمع زائران و مجاوران کعبه رسانیدند و اعلام کردند که باید با این موقعیت بسیار خطرناک مقابله کرد. زمانی که سخن امام(ع) و مواضع ایشان به کوفه رسید، کوفیان که از حاکمیت یزیدی بر خود احساس حقارت و خود را در برابر شامیان تحقیر شده احساس می‌کردند، برای بیرون آمدن از زیر بار چنین ذلتی از امام(ع) دعوت کردند.

رجبی دوانی خاطرنشان کرد: کوفیان ناراضی از وضع موجود نیز بر آن بودند تا با آغاز حرکت امام(ع) ایشان را یاری و همراهی کنند و تحت امر ایشان، این اعتراض را به قدرتی تبدیل کنند که به وسیله آن حاکمیت فاسد یزیدی را براندازند. به زعم کوفیان حال که حسین بن علی(ع) در برابر حکومت یزید ایستاده، کسی بهتر و مناسبتر از فرزند پیامبر(ص) برای زمامداری و رهبری نیست؛ بنابراین با یاری ایشان درصدد بودند که حاکمیت اموی را براندازند و تحت رهبری فرزند پیامبر(ص) قرار گیرند.

وی ادامه داد: به همین جهت امام حسین(ع) – البته بعد از تأملات بسیار و فرستادن مسلم به کوفه و گردآوری نامه‌های بسیار برای دعوت از امام(ع) – به سمت کوفه حرکت کردند، اما متأسفانه با عدم پایداری مردم کوفه و بدعهدی و خیانت بزرگ آنان مواجه شدند که به فاجعه کربلا انجامید. با این‌همه حرکت امام حسین(ع) نشان می‌دهد که چه این دعوت کوفیان انجام می‌گرفت و چه نمی‌گرفت و چه جان امام(ع) در اثر مکلف بودن به بیعت در خطر بود و چه نبود، حتی اگر ایشان تنها بودند و آن 72 تن را نداشتند، همچنان تکلیف ایشان قیام و اعتراض بود.